

...ایسم‌ها |

گرایش‌های طراحی لباس

مایری مکنزی | ترجمه آیداتدین | چاپ هشتم

[قرون ۱۷ + ۱۸]

پیشگفتار	۱۴
دوران بازگشت	۱۶
باروک	۱۸
روکوکو	۲۰
بیگانه‌گرایی	۲۴
ناتورالیسم	۲۶
انقلاب‌گرایی	۲۸
نئوکلاسیسیسم	۳۰

[قرن ۱۹]

پیشگفتار	۳۴
شیک‌پوشی	۳۶
ژمانتسیسم	۳۸
صنعت‌گرایی	۴۲
ساویل رو	۴۴
تولد طراحی مُد و لباس	۴۶
ریتونالیسم (مراسم‌گرایی)	۵۰
بلومریسم	۵۲
پیشارافانلیان	۵۴
زیبایی‌گرایی	۵۶
خردگرایی	۵۸
جنبش هنرها و صنایع دستی	۶۰

[قرن ۲۰]

پیشگفتار	۶۴
دوران زیبا	۶۸
جنبش احیای سبک امپراتور	۷۰
شرق‌گرایی	۷۲
گرایش به تولید انبوه	۷۴
مُدرنیسم	۷۶
هالیوودیسم	۷۸
سوررنالیسم	۸۰
احیای سبک ویکتوریایی	۸۴
صرفه‌گرایی	۸۶
نگاه نو	۸۸
ادواردیانیسم نو	۹۲
اگزستانسیالیسم	۹۴
جنبش بوتیک بریتانیا	۹۶
عصر فضا	۹۸
گلام	۱۰۰

[قرن ۲۱]

پیشگفتار	۱۳۰
اینترنت	۱۳۲
مصرف‌گرایی ستارگان مشهور	۱۳۴
احیای برند	۱۳۶
وینتیج (لباس کهنه)	۱۳۸
مرگ طراحی مُد و لباس	۱۴۰
گلوبالیسم (جهانی‌سازی)	۱۴۴

ژمانتسیسم نوستالژیک	۱۰۲
پیش جهانی	۱۰۴
بازگشت به دوران کلاسیک	۱۰۶
پانک	۱۰۸
ژمانتسیسم نو	۱۱۰
کژوالیسم فوتبالی	۱۱۲
آوانگاردیسم ژاپنی	۱۱۴
پاپیسم	۱۱۶
گرنیج	۱۲۰
واسازی‌گرایی	۱۲۲
پست‌مدرنیسم	۱۲۴
سینمالیسم	۱۲۶

[پیوست]

یادداشت مترجم	۶
یادداشت ویراست جدید	۷
مقدمه	۸
چگونه از این کتاب استفاده کنیم	۱۰
رویدادنگاری	۱۴۸
نمایه	۱۵۲
پی‌نوشت‌ها	۱۵۸

مُد آینه‌ای مقابل جوامع، در محدوده‌ای که در آن زندگی می‌کند، قرار می‌دهد. این امر هم به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی و هم تجارتي بسیار پیچیده عمل می‌کند؛ به یگر سخن، مُد بازتاب‌دهنده نگرش‌های اجتماعی، اقتصادی، جنسی و سیاسی هر عصر است.

جداز لباس‌های سنتی و ملی، مُد به‌واسطه تغییر بی‌وقفه و مستمرش مشخص و متمایز می‌شود. مُد همواره رو به جلو در حرکت بوده است و نه براساس ضرورت، بلکه از طریق نظامی بسیار پیچیده و عمیقاً تحکیم‌یافته هدایت می‌شود که در آن تمایز اجتماعی، تجربه‌های تازه در زمینه لباس و عوامل اقتصادی زمینه‌دگرگونی‌اش را فراهم می‌کنند. البته، این بدان معنا نیست که مُد صرفاً جریان سطحی و پوچی است که نظام اقتصادی اخلاقاً ورشکسته‌ای به پیش می‌بردش و بیهوده بدان بها داده شده است. و نمی‌توان گفت مُد روی کسانی که می‌خواهند در آن سهمی داشته باشند، اثر می‌گذارد.

بررسی و مطالعه مُد امری فراگیر به‌شمار می‌رود، که به دنیای محدود طراحی مُد و لباس (اوت کوتور)، نشان‌های تجاری طراحان معروف، مجلات پر زرق و برق و نخبگان اجتماعی محدود نمی‌شود. مسائلی پیچیده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مرتبط با تولید و مصرف مُد بر تمامی بخش‌های جامعه تأثیرگذارند. پیشرفت‌های صورت‌گرفته در تولید مُد شتاب‌دهنده روند صنعتی‌سازی انبوه، شهرسازی و جهانی‌سازی است که مشخصه‌های عصر مُدِرن به‌شمار می‌روند. علاوه‌بر این، مُد جزء جدایی‌ناپذیر ایجاد و انتقال هویت اجتماعی هر فرد است و به‌بازنمایی طبقه اجتماعی، گرایش‌های جنسی، سن و سال، قومیت و به‌ویژه جنسیت پوشنده لباس کمک می‌کند و نیز بیانگر سلائق و اولویت‌های فرهنگی هر فرد به‌شمار می‌رود. در حقیقت، پیشرفت‌های مُد و واکنش‌های اغلب افراطی عموم مردم در برابر آن به برجسته‌ساختن و پرداختن به (اگر نگوئیم برطرف‌ساختن) تعصبات اجتماعی ریشه‌داری کمک می‌کند که همواره گریبانگیر زنان، جامعه هم‌جنس‌گرایان زن و مرد، جوانان، اقلیت‌های قومی مختلف و طبقات کارگر بوده است.

این کتاب، راهنمای مقدماتی‌ای در باب «ایسم»‌های

اصلی و مهمی است که تاریخ مُد را از سده هفدهم تا به امروز شکل داده‌اند. هدف، قراردادن راهنمایی واضح و آسان‌فهم در اختیار خوانندگان بوده است تا به شناخت آنها از ساختار، سیر تکاملی، مؤلفه‌های کلیدی و اهمیت هرکدام از ایسم‌ها بینجامد. فضای محدود مانع از تجزیه و تحلیل کامل گستره و عمق هر موضوع شده؛ در عوض بهتر است خواننده از این کتاب به‌عنوان نقطه شروع گام‌نهادن بر جاده‌های دوردست پژوهش و تحقیق [در باره مُد] استفاده کند. هم‌چنین، به‌سبب گستردگی موضوع، به‌ناچار بسیاری از لحظه‌ها در تاریخ مُد نادیده انگاشته شدند.

انتخاب قرن هفدهم به‌عنوان نقطه آغاز، نشانگر تاریخی که مُد از آنجا پدید آمده نیست، بلکه بازتاب البسه به‌جامانده و نقطه آغاز شتاب‌گرفتن تحولات مُد است.

اگرچه صریحاً مشخص نشده، اما تمام اشارات مُد در این کتاب به البسه‌ای باز می‌گردد که در کشورهای به‌لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته جهان غرب پوشیده شده‌اند. بارها پیش آمده که برخی ایسم‌ها با یکدیگر تداخل داشته‌اند، به‌طور هم‌زمان با یکدیگر رُخ داده‌اند یا ویژگی‌های هم‌سان و اشتراکاتی کلیدی را به‌نمایش گذاشته‌اند. اگرچه تقسیم‌بندی این کتاب به چهار بخش اصلی براساس قرن‌های مختلف، چیزی از جنس سیستم ساختگی طبقه‌بندی اجباری است، با این حال ساختاری قابل‌انتقال را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.





[قرون ۱۷ + ۱۸]



ابتدا جنبش باروک^۲ و بعدها جنبش روکوکو^۳، هنرهای زیبا و تزئینی قرون هفدهم و هجدهم را به تسخیر خود درآوردند. این گرایش‌های فرهنگی گسترده، بر معماری، نقاشی، پیکره‌سازی، موسیقی، طراحی داخلی، صنایع نساجی و پوشش هر دوره نفوذ سبک‌شناختی فراگیری اعمال کردند.

لویی چهاردهم^۴؛ لویی پانزدهم^۵؛ بیگانه‌گرایی^۶؛ ماشینی شدن صنعت نساجی؛ زنان فروشنده مُد و لباس (merchandises de modes)؛ شیفتگی انگلیسی‌مآبانه (Anglomani)؛ انقلاب فرانسه.

سبک باروک، رسمی و خشک، پر زرق و برق و متکلف می‌نمود؛ به علاوه منسوجاتش نیز سنگین و نمایشگر طرح‌های منحنی شکل هنرهای تزئینی آن دوره بود. این عصر تحت سلطه دوران پادشاهی لویی چهاردهم، شاه فرانسه (۱۷۱۵-۱۶۶۷)، بود و پسندهای او در ارتباط با نوع پوشش، مُد زمانه را رقم می‌زد. او در پوشیدن لباس‌های فاخر و گران‌قیمت و امور داخلی کشور بی‌اندازه افراط می‌کرد و در بیاریانش را ترغیب می‌نمود در ولخرجی و زیاده‌روی با او رقابت و چشم‌وهم‌چشمی کنند (که این جریان به ورشکستگی بسیاری از آنها انجامید) و این گونه بود که او لقب «پادشاه مصرف»^۷ را از آن خویش ساخت.

سبک روکوکو، در مجموع، سبکسازانه و تقنی بود. مُدل و اندازه‌های جامه‌های این دوره، با آنچه طی دوره باروک بر تن می‌کردند، تفاوت چشمگیری نداشت، اما زیورآلات و تزئینات این دوره، آشکارا از ظرافت و مهارت بیشتری

برخوردار بودند. همان‌گونه که باروک از سلیقه و طبع لویی چهاردهم حکایت داشت، روکوکو نیز طبیعت و پسند لویی پانزدهم، جانشین او، را بازتاب می‌داد. در میان این گرایش‌های فرهنگی گسترده، شماری از دیگر مُدهای محلی و زودگذرتر نیز به چشم می‌خورد. مسیرهای بازرگانی و راه‌های دادوستد با خاورمیانه و خاور دور، که طی قرون متمادی گشوده بود، در سال‌های پایانی ۱۶۰۰ میلادی شکل مشخص و رسمی یافت و صنایع دستی، منسوجات و البسه‌ای که به اروپا وارد می‌شدند، در کنار تأثیرات میان‌فرهنگی نمودیافته در مُد، به تب بیگانه‌گرایی نیز دامن زدند. پارچه نخی هندی و ابریشم چینی چنان قدر و قیمتی یافتند که تقاضای کلان برای این اجناس موجب شد صنعت نساجی اروپا ظرفیت‌های تکنولوژی یک خود را ارتقاء دهد و به تولید این کالاها در داخل کشور روی آورد.

نخستین نشانه‌های انقلاب صنعتی از اوایل قرن هجدهم رُخ نمود و اگرچه تأثیر آن تا سال‌های ۱۸۰۰ کاملاً محسوس نبود، اما می‌توان شکل نوپایی از صنعت تجاری مُد را در این زمان مشاهده کرد. شماری اختراع (نظیر ماکوی سریع جان کی^۸، دستگاه نخ‌تاب آبی آرک‌رایت^۹، ماشین نخ‌ریسی هارگریوز^{۱۰}، ماشین بافندگی کارت‌رایت) صنعت تولید پوشاک را دگرگون ساخت؛ پیشرفت‌هایی که در زمینه دستگاه چاپ صورت گرفت، از سال‌های دهه ۱۷۷۰ به بعد، انتشار مجله‌های مُد در کشورهای فرانسه، انگلستان و سپس آلمان را در پی داشت و مصرفِ مُد از انحصار طبقه اشراف و کلان‌شهرها فراتر رفت - تادر سایه پیشرفت‌های وسایل ارتباطی و ترقی روزافزون دکان‌داران خرده‌پا-روستاییان و



طبقه متوسط را نیز در بر بگیرد.

اگرچه مُد تحت سلطه حکومت اشراف بود، اما متحصّر به طبقه اعیان و مرفه نبود. نوع پوشش بورژوازی و طبقه کارگر، تمایلات فرهنگی این دو قشر را منعکس می‌ساخت و در حقیقت، نزدیک شدن به پایان قرن هجدهم به هم‌راه نمادهای تحول و تغییر در انقلاب فرانسه، مستقیماً بر البسه‌ای که طبقه اشراف بر تن می‌کردند، تأثیر گذاشت.

چشمگیرترین دگرگونی در پوشش افراد در جریان قرن هجدهم رقم خورد، به ویژه در انگلستان که در آن پوشش بی‌پیرایه و ساده که هم‌زمان با جنگ داخلی از محبوبیت برخوردار شده بود، جای خود را به لباس‌های تزیین‌ارچه و گل‌وگشاد و به‌غایت مزین داد که این دوره مصادف شد با دوران بازگشت چارلز دوم^{۱۱} به سلطنت در سال ۱۶۶۰؛ هر چند از سال‌های دهه ۱۶۶۰، شلوار سریع و جلیقه و کت (شکل ابتدایی کت و شلوارهای سه‌تکه امروزی) با گونه‌گونی و تنوع در پارچه و آرایش ظاهری در انگلستان، فرانسه و دیگر نواحی اروپا رواج یافته بود و تا زمان انقلاب فرانسه، پوشش مردانه را در تسخیر خود داشت.

انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹، قرن هجدهم را با بن‌بستی سرتوشت‌ساز مواجه ساخت؛ رُخدادی که در تحولات عظیم صنعت مُد، نقش یک کاتالیزور را ایفا کرد. پیشش، جنبه سیاسی یافت و با هدف به‌نمایش گذاشتن فناوری برای برابری طلب انقلاب استفاده شد. تصنع و خودنمایی را که مشخصه مُد در حکومت‌های پیشین بود، در تأیید و حمایت از پارچه‌های بافت ساده، مدل‌های طبیعی و عمل‌گرایی طرد کردند. البته چنین تحولی یک‌شبه رُخ نداد و از همان سال‌های دهه ۱۷۷۰ مخالفت با پوشش تجملی و گران‌قیمت به‌صورتی تدریجی قابل مشاهده بود؛ زمانی که گرایش به ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) آشکار شد و تب فرانسوی‌ها نسبت به سبک‌های بی‌پیرایه و اسپرت انگلیسی به شکل‌گیری صوری از «شیفتگی انگلیسی‌مآبانه»^{۱۲} منجر شد.



↑ پترلی^{۱۳}، دوک و دوشس لادریدیل^{۱۴}، ۱۶۷۵، رنگ‌روغن. نشانال تراست^{۱۵}، هام هاوس^{۱۶}، ریچموند آپان تمز^{۱۷}، توییکنهام^{۱۸} تک‌چهره‌های قرون هجدهم و هجدهم عالی‌ترین منبع اطلاعاتی درباره پوشش مرسوم آن روزگاران هستند. در تک‌چهره دوک و دوشس لادریدیل، لباس‌های گران‌قیمت و گیرایی که بر تن دارند، نشانگر مقام و جایگاه مهم آنان در دوران بازگشت انگلستان است.

➔ لباس شب پُشت‌کیسه‌ای، حدود ۱۷۶۰. موزه ویکتوریا و آلبرت^{۱۹}، لندن، انگلستان

در میانه قرن هجدهم، لباس شب پُشت‌کیسه‌ای، مُد لباس‌های زنانه را تسخیر کرد. علت این نام‌گذاری گشادی پُشت این لباس بود و همان‌گونه که از نامش بر می‌آید، هم‌چون کیسه‌ای از سرشانه‌ها آویزان بود. قسمت جلوی دامن لباس، به‌منظور نمایش پیش‌دامن زینتی و زبردامنی متناسب آن، باز بود. تزئینات ظریف و پیراسته این لباس شب ابریشمی، نمایانگر ویژگی‌های خاص دوره روکوکو، و رنگ آن، از محبوب‌ترین و پُرفرودارترین رنگ‌های سراسر قرن هجدهم بود.



▲ لباس شب نقره‌بافت، ۷۰-۱۶۶۰. موزه مُد، انگلستان.

موزه مُد، باث^{۲۷}، انگلستان

این لباس یک نمونه نایاب و کم‌نظیر به‌جامانده از جامه‌های متعلق به دوران بازگشت است. به احتمال فراوان، این لباس را که از پارچه بی‌اندازه ظریفی معروف به «نقره‌بافت» دوخته شده است، در مراسم رسمی یا دربار به تن می‌کردند. این پارچه، بافته‌ای از ابریشم لطیف کرم‌رنگ در ترکیب با تار و پود نقره‌ای و آراسته به نوارهای پارشمن است. لباس‌های شب این دوره را بخش‌های گونه‌گونی تشکیل می‌داد. الگوی این لباس، نمونه بارز جامه زنانه همین عصر است و درست در نقطه مقابل پوشش تجملی و خودنمایانه مردان آن زمان قرار دارد.

و مدل‌دار بود، به کمال می‌رسید. این کلاه‌گیس‌ها، مدل‌هایی را در بر می‌گرفت به‌غایت حجیم، با فرق وسط آراسته و پیراسته و حلقه‌های مجعد مو که تاروی شانه می‌ریخت. این مُد تا سال‌های آغازین ۱۷۰۰ مرسوم باقی ماند.

از سال ۱۶۶۶، همپای کوشش‌های صورت‌گرفته برای از میان برداشتن سلطه مُد فرانسوی، چارلز دوم به‌منظور رفرم البسه مردانه تلاشی دسته‌جمعی را به‌جریان انداخت و نمونه ابتدایی کت و شلوارهای سبک‌ای امروزی را در بارش باب کرد. این نمونه، که الگو برداری شده از یک دست لباس سنتی ایرانی بود، شامل یک جلیقه بلند است (آنچه که امروزه با همان نام جلیقه می‌شناسیم) و آن را در زیر کتی با همان تقو قواره (مدل تکامل یافته نیم‌تنه) به‌همراه شلوارهای سریع کمابیش تنگ و چسبان به تن می‌کردند. از شارحین آن روزگار، نظیر ساموئل پیس و جان اولین، روایات بسیار ارزشمندی مبنی بر رواج چنین سبک‌هایی از لباس به ثبت رسیده است.

با وجود اینکه مُد مردانه دستخوش تحولات تمام‌عیار و اساسی شده بود، سبک‌های زنانه‌ای که طی دوران بازگشت رواج یافت، در مقایسه با آنچه که در اوایل دوران پادشاهی استوارت^{۲۸} بر تن می‌کردند، تنها از تغییرات و دستکاری‌های جزئی حکایت داشت. لباس‌های شب (سال ۱۶۸۰) هنوز از دامن و یک نیم‌تنه کمرگسسته^{۲۹} جا و چسبان تشکیل می‌شد. هرچند در طی دوران بازگشت، این نیم‌تنه‌ها، تنگ‌تر و قسمت جلوی آنها بیشتر شد و بقیه‌های دکلت و کاملاً بازشان به تور یا نوار کتان آراسته بود.

➔ کت و شلوار آقایان با شنل مناسب، دهه ۱۶۷۰. موزه

باروک و آلبرت، لندن، انگلستان

این پوشش شامل یک کت بود که بر روی جلیقه و شلوار سه‌ربع کشش چسبان به تن می‌کردند و نمونه اولیه کت و شلوارهای مردانه امروزی بود. این لباس نمایشگر کوشش‌های صورت‌گرفته به‌منظور تجدیدنظر انگلیسی در سال ۱۶۶۶ تحت نظارت و حاکمیت چارلز دوم است و از همین روی، از جامه‌های فرانسوی هم‌عصرش متمایز می‌ماند.

● **آلبور کرامول (۱۶۵۸-۱۵۹۹)؛** جان اولین (۱۷۰۶-۱۶۲۰)؛ چارلز دوم (۸۵-۱۶۳۰)؛ ساموئل پیس (۱۷۰۳-۱۶۳۳)؛ لویی چهاردهم (۱۷۱۵-۱۶۳۸)^{۳۱}

● **دامن شلورای؛** زانو بند زینتی^{۳۲}؛ نیم‌تنه؛ کلاه‌گیس؛ جلیقه

● چشم‌انداز پر آشوب سیاسی بریتانیای قرن هفدهم، در لباس این دوره نمود یافته است. در تمام مدت حکومت خشک مقدس و تندروی آلبور کرامول، سبک پوشش طرفداران او از الگوها، تزئینات و رنگ‌های ساده و بی‌پیرایه برخوردار بود. بعد از مرگ کرامول، در سال ۱۶۶۰ بازگشت چارلز دوم از تبعید به سلطنت، منجر به پیدایش مُدی شد که تجملی، بسیار پر زرق و برق و درست نقطه مقابل پوشش ساده‌ای بود که جایگزین آن شد. خاصه برای مردان، مُد بیش از پیش به شیوه‌ای برای جلوه‌فروشی و خودنمایی بدل شده بود و یکی از مردمان آن روزگار، آن دوران را «عصر عجیب و غریب زن‌صفتی مردانی که می‌کوشیدند سبک پوشش و جامه‌های خود را از زنان تقلید کنند» دانسته است. روبان‌های طویل، تورهای زینتی، منگوله‌ها و پایپون‌ها، جامه‌های مردانه اشرافی و رایج آن زمان را زینت می‌بخشیدند.

دامن شلورای‌های گل‌وگشادی که پوشیدنشان پیش از دوران بازگشت نیز متداول و به دامن شلورای‌های «راین‌گریو»^{۳۵} معروف بود، بعد از سال ۱۶۶۰ فراگیر شد. این دامن شلورای‌ها مزین به روبان‌های فراوان و بسیار گشاد بود (گاهی ۱/۸ متر یا شش پا عرضشان بود) که ممکن نبود بتوان آنها را از دامن کوتاه تمیز داد. دنباله‌های تزئینی دور زانو، که زانو بند زینتی خوانده می‌شد، به سر جوراب‌های ساق بلند وصل بود. این تزئینات، شامل روبان یا تورهایی پر زرق و برق و با چین‌های فراوان بود که به دامنی بر روی چکمه‌های تا سر زانو می‌ماند. نیم‌تنه را که یک کت کوتاه تنگ و چسبان بود، بر روی پیراهنی با چین‌های ملایم بر تن می‌کردند. جلوه این مُد با تب روزافزون استفاده از کلاه‌گیس‌هایی که آشکارا مصنوعی، پر زرق و برق و زیادی تصنعی

● چارلز دوم^{۳۳} پس از یک دوره یازده ساله تبعید، سال ۱۶۶۰ در مقام پادشاه انگلستان به سلطنت بازگشت. سبک مجلل و پر زرق و برقی که با دوران بازگشت همراه شد، نه تنها تحت تأثیر مُد نو فرانسوی، بلکه مظهری از پیروزی ایدئولوژیک حکومت عبث پادشاهی بر جمهوری خشک مقدس آلبور کرامول^{۳۴} بود.



● باروک؛ روکوکو؛ ژمانتیسیم نو

● انقلاب‌گرایی؛ نوکلاسیسیسم؛ مینیالیسم